



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۱۹/۰۵/۳۰

عبدالقیوم میرزاده

ملت

منافع ملی

دولت - ملت در افغانستان

ملت – منافع ملی و دولت ملت نام کتابیست که در نیمه دوم سال ۲۰۱۸ میلادی از این قلم آماده چاپ و نشر گردید. مصمم گشتم تا آنرا از راه ویبسایت بسیار وزین افغان جرمن آنلاين نیز بدسترس و خوانش علاقمندان نهایت محترم قرار دهم، بنا بر حوصله مندی سایت های انترنتی و کثرت مضامین مفید پنداشته شد تا این کتاب را بصورت جستار های جداگانه پیوسته به گذشته در ۳۲ قسمت ترتیب و از راه پورتال روشنگر افغانان یعنی افغان جرمن آنلاين بدست نشر بسپارم تا باشد با عرضه تجارب اندوخته ام از سیر حوادث نیم قرن گذشته دین خویش را برای وطن و وطن داران ام ادا کرده باشم. آرزو دارم خوانندگان محترم با حوصله مندی در باب های متنوع متن نظریات شان را از طریق ایمیل:

gmirzada@t-mobilethuis.nl

با نویسنده در میان بگذارند البته به نظریات و نقد های سالم اندیشمندان ارج فراوان قایلیم تا کمبودی ها و نقایص خویش را متوجه گشته و در رفع آن کوشا گردم.

ملت

منافع ملی

دولت - ملت در افغانستان

قسمت اول

پیش گفتار نویسنده بجای مقدمه:

وضعیت ناهنجار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و گسترش نا امنی در سراسر کشور، افتراق و چاق شدن اختلافات گوناگون قومی، مذهبی، جنسیتی و زبانی روزافزون میان مردم، فاصله گرفتن مردم از فهم و درک منافع ملی در کشور ما عزم ام را به جزم کشاند تا این ناهنجاری ها را تا حد توان و امکانات دست داشته به تحریر و معرفی بگیرم. در این نوشته سعی بر آن داشته ام تا ویژه گی های اساسی مشکلات فرا روی همزیستی، همدلی، همنوایی مردم ما را زیر یک چتر افغانستان شمول بنام مقدس افغان با کند و کاو نشانی کرده و معرفی کنم. برای فهم بیطرفانه از تاریخ و رویداد های تاریخی آثار متعدد تاریخی تاریخ نگاران موافق و مخالف مورد پژوهش و تدقیق قرار گرفته است. همچنان سعی کرده ام تا حد ممکن تعریف ها را مختصر و توضیحات با زبان ساده تا حد ممکن واژه های ادبیات سیاسی – اجتماعی – اقتصادی را به زبان ساده دری برگردان کرده ام و یا از

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په خیر و لولی

واژه های برگردان کرده ای سایر دانشمندان علوم ادب، سیاست و اجتماع بهره برده ام. آنچه برای من بسیار مشکل افزا بود ارایه تعریف ها با توضیح مختصر و کوتاه بود زیرا نمیتوان یک واژه با مفهوم بزرگ اجتماعی را طی چند کلمه و یا در چند سطر مختصر ساخت. در حالیکه دانشمندان و جامعه شنا سان بسیار در زمینه توضیحات گوناگون مفصل در موارد آنچنانی نگاشته اند. همچنان در جریان این نوشته فراوان بسا موارد پیش آمد که توضیح و تفسیر بسیار دامنه دار را مطالبه داشت ولی من در زیر تأثیر اراده نگارش برای همه رده ها که سهم آنها از سواد سیاسی - اجتماعی و اقتصادی گوناگون میباشد سعی فراوان بذل داشتم تا توضیحات را مختصر و کوتاه بگیرم. در مراحل آغازین نگارش بیم آن داشتم که با این ساده نویسی توفیق نیابم تا منظری روشن از دیدگاه هایم به خواننده گان ارایه کنم ولی رفته رفته اعتماد به نفس بالایم متضمن این شد تا به راه ام استوار ادامه دهم.

من در این نگارش سعی کرده ام تا در باب ملت، منافع ملی و دولت - ملت در افغانستان همه اجزای متأثر اجتماعی را که به نحوی از انحاء، شکلی از اشکال و یا طریقه ای از طریقه ها به این مسئله مرتبط هستند به کاوش بگیرم. نه مانند بیشتر نویسنده گان که مسئله ملت و دولت - ملت در افغانستان را از جهت به توضیح گرفته اند که یا چشم انداز حکومت شرکای بین المللی آن را افاده میداده است و یا نقاط نظر مخالفین حکومت را ارایه داده که در آن بیشترین زوال حکومت و یا تخریب پایه ها وستون های حکومت در نظر بوده است، و از طرفی هم این نوشته میتواند پژوهشگران علم اجتماع و فرهنگ و اندیشمندان سیاست را به تحقیقات و پژوهش های بیشتر در عرصه های اختصاصی وابسته این کتاب وا دارد. گرچه گفته میشود تحلیل علمی و بیان حوادثی که از اختلافات و تفاوت های مادی، شعوری و سلیقوی دیروز بوجود آمده تاریخ است، اما من در این نوشتار سعی فراوان مبذول داشته ام در پرتو تجارب و اندوخته های بیشتر از نیم قرن خودم صرف منافع ملی کشور محبوب ام افغانستان مد نظر باشد نه ذوق و سلیقه های شخصی ام. من در طول زنده گی ام شاهد هولناک ترین حوادث مرگبار برای مردم کشورم و تا سرحد نابودی کامل خطه ای بنام افغانستان بوده ام. عده از عوامل و مجریان این حوادث مرگبار هنوز زنده اند چه خوب است که آنها به این اشتباهات و خیانت هایشان معترف گشته و نسل های آینده کشور را از تکرار این اشتباهات و تباهی مال، جان و کشور شان برحذر دارند.

تاکیدات مکرر در لابلای این نوشته بیشتر غرض فزونی اهمیت موضوع مطرح بحث بوده و خواستم به این ترتیب به خواننده گان این پیام را برسانم که برای رسیدن به آرمان ملت واحد و یکپارچه و دولت - ملت تنها زمانی میسر و ممکن است که ما همه افغانها زیست با همی را فرا گرفته و فهم و درک منافع ملی را داشته باشیم.

بیشترین آرزومندی ام از نشر و اشاعه این نوشته به دسترس گزاری آن برای همه اقشار بویژه جوانان عزیز کشورم میباشد. زیرا این قشر بالنده که اکثریت نیروی متشکله جامعه را احتوا میکنند بنا بر عوامل مختلف به نیروی حاشیه ای در کشور تبدیل شده اند. با آنکه این کتله قسمت اعظم بار گران تولید و باز تولید اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را در کشور بدوش دارند اما بنابر فقدان و کمبود آگاهی از منافع ملی یا به عبارت دیگر کج فهمی از مفاهیم ملت و منافع ملی با وصف فرصت های طلایی و امکانات فراوان مادی و معنوی در دو دهه گذشته تا کنون نتوانسته اند این ما مول را به سر منزل مقصود برسانند. همچنان بحرانهای اجتماعی چون بحران فقر، بحران بیکاری، بحران نبود امکانات تعلیم و تحصیل، بحران اعتیاد، بحران اعتماد، بحران تهاجم فرهنگی، عدم مصونیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در فضای حاکم کشور باعث گردیده تا جوانان نتوانند به حقوق حقه ایشان که عبارت از اداره و رهبری کشور میباشد برسند.

در این نوشتار تاریخ ها را به سنه میلادی قید کرده ام زیرا از یکطرف از برگردان سنه ها از میلادی به هجری شمسی و عکس آن زحمت خواننده گان را کم ساخته ام و از طرف دیگر جلوگیری از بروز اشتباهات در نظر بوده است.

دوستداران افغانستان عزیز، مرور کننده گان این سطور، دست اندرکاران امور سیاست و اجتماع !

افزایش روز افزون جنگ های فرسایشی ممتد و به خاک و خون کشاندن مردم کشور عزیز مان افغانستان در دهه ها و صدها در زیر عناوین و شعار های مختلف ولی همه به منظور برآورده شدن منافع بیگانگان، حاد شدن معضلات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و انتیکی در این خطه باستانی، نهادینه شدن تجاوزات آشکار و پنهان و گسترش ابعاد مداخلات و تجاوزات بیگانگان تحت پوشش ها و شعار های استخراج شده در سازمانهای سیاسی و نظامی آنها به مود روز و عوامفریبانه بمنظور دستیابی به منافع واهداف کوتاه مدت و دراز مدت این استیلاگران، این کمترین را به این واداشت تا با این همه ناتوانی خویشتن در گام نخست مروری بر رویداد ها وبرگهای تاریخ این سرزمین کرده ودر مقایسه با رشد و انکشاف جامعه بشری در جستجوی علل و عوامل این همه عقب مانده گی، نا بسا مانی ها، افتراق و مصیبت های خانمانسوز در کشور عزیز مان افغانستان گردم.

در میان نخبگان سیاست، پژوهشگران، قلم بدستان و تحلیلگران جهان کمتر کسی را میتوان سراغ کرد که عوامل ترقی و عقب مانگی جوامع و کشورها را در پیوند ناگسستنی درجه رشد آگاهی ملی و اتحاد ملل آن سرزمینها مطالعه نکرده باشند. این رشد آگاهی ملی است که در هر کجایی از جهان سبب پیشرفت و عدم آن باعث انحطاط و عقب مانده گی میگردد.

رشد آگاهی ملی در سراسر گیتی تنها بوسیله تعمیم سواد همگانی، تعمیم و توسعه فرهنگ، ارتقا معرفت مردمان از وضعیت خود، منطقه خودشان و جهان و علل و عوامل پیشرفت و عقب مانگی سایر ملل گیتی، یعنی تجارب تاریخی ملل جهان ممکن و ممیسر است و بس، فقط آنهایی به ساحل خوشبختی گام گذاشته اند که با عقل سلیم و انتباه منطقی از تجارب گذشته، خود در باره سرنوشت مردم و کشور خود در پرتو منافع ملی خودشان تصمیم اتخاذ کرده اند. این به هیچوجه بدین معنی نیست که منافع دیگران باید نفی کرد. منتفی گردانیدن منافع دیگران خود راه ناسیونالیزم برتری جویانه را باز میکند، منظور ما در نظر داشت منافع ملی از جانب همه اعضای جامعه در هر گوشه و کنار کشور در هر حالتی پیوسته ارجحیت داشته و همچنان از هر وضع ایجاد شده در دنیا برای دستیابی به منافع ملی مدیریت سالم سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی صورت گیرد.

قابل تذکار است که ملل پیشرفته و مترقی جهان این همه سعادت را رایگان بدست نیآورده اند، بلکه در راه رسیدن به این منزلت بسا مشکلات، قربانی ها، جنگها و خونریزی های بیحد و حصر را متقبل گشته و با اندوختن تجارب فراوان از این همه سرخورده گی ها و پیروزی ها بلاخره همه موانع را از سر راه شان بدور کرده و اکنون در شاهراه پیشرفت و ترقی سیر میکنند و برای مردمان شان سعادت به ارمغان آورده اند.

در پرتو تجارب کسی انسان در روی زمین همه انسانها و ملل جهان بصورت انفرادی و کتلی از اندوخته و تجارب گذشتگان شان مستفید شده و هیچگاه نمیتواند عاقلانه باشد تا تجارب مفید و قابل اجرا را بار بار به تجربه مجدد گرفت.

یعنی نشاید عاقلانه باشد تا کاری را که توماس ادیسون کرده هر بار از نو در اختراع و کشف برق پرداخت، بلکه خیلی مؤثر و مفید خواهد بود تا مدارج انکشاف و مثال مفهوم توسعه انرژی برق را در مسایل اجتماعی و سیاسی نیز در نظر داشته باشیم. البته با این مثال به هیچوجه قصد ندارم در مسایل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تجارب دیگران را الگو قرار داده در پی انطباق کاپی آن باشیم. زیرا هر جامعه از خصوصیات و ویژه گی های منحصر به خویش برخوردار بوده که بدون دانستن این ویژه گی ها ارزیابی اوضاع و دریافت راه برونرفت نا محتمل میباشد.

در راستای عقب مانگی جامعه ما و ناهنجاری های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن بسیاری از دانشمندان علوم اجتماع و سیاست در داخل و خارج از افغانستان به این باور اند که در نبود سواد همگانی در کشور فقدان یک هویت مشترک ملی و عدم اتحاد ملی در راستای کارزار و معاملات ملی و بین المللی مسبب اصلی معضل افغانستان در عرصه ملی و بین المللی میباشد.

بسیاری از این نظریه پردازان حتی به این باور اند که در زیر تأثیر اختلافات فرهنگی، زبانی، مذهبی، قومی، اتنیکی، موقعیت جغرافیایی، نفوذ سلطه خارجی و نا برابری های اجتماعی در ساختار سیاسی افغانستان اتحاد ملی و تشکیل یک ملت باورمند به منافع ملی نا ممکن میباشد.

ولی به باور من آنچه ما را از گذشته های دور تا امروز به کژ راه کشانده این همه مصیبت را در این مرز و بوم بیار آورده فقط و فقط بی باوری مردم این خطه به منافع ملی یا به عباره دیگر نبود روحیه زیست باهمی و کار افغانستان شمول، دلبستگی به میهن مشترک، وابستگی با همدیگر و از خود بیگانگی هم در برابر هم میهنان و هم در برابر میهن در سطح کل کشور میباشد.

در این کشور بنام افغانستان حدوداً همه اقشار جامعه یعنی همه مردم، تقریباً همه مسئولین اموراداره و مشمولین زراعت، صنعت و اقتصاد، قدمه های بعدی و مردم عام اعم از مرد وزن بیشتر در پی منافع شخصی خودشان هستند. با هزار دریغ و افسوس باید اذعان داشت که در سرلوحه فکر مردم ما منافع جمعی تا کنون جای نداشته است، یعنی این فکر حاکم در میان همه مردم است تقریباً همه با کمترین استثنا اگر از برآورده شدن منافع شخصی شخص خود فارغ گردند آنگاهست که به فکر خانواده خویش، اقارب نزدیک و اقوام شان خواهند افتید. این به این معنی است که در جامعه ما تقسیم ثروت و قدرت تنها در دایره ای شخصی و بسیار سخاوتمندان چیره دست آنرا در دایره خانواده خویش توزیع میکنند. البته در تجربه حکومت های تک حزبی این تقسیم قدرت بر علاوه بسیار نا مساویانه میان اعضای حزب برسر اقتدار صورت گرفته است.

با اندوه فراوان باید گفت که هم مسئولین امور و هم مردم عوام در راه نیل به منافع شخصی دانسته و یا ناخودآگاه منافع ملی و یا منفعت به مقیاس کل کشور را زیر پا میگذارند.

مطالعه تاریخ این مرز و بوم حکایت هایی دردناک از خیانت های ملی، خود خواهی ها و ارجحیت منافع شخصی و گروهی منجر به تباهی های فراوان مادی و معنوی گردیده است، دارد و تاکنون تاریخ کشور ما

کمتز مسئولی از مسئولینی را سراغ دارد که در این باره احساس مسئولیت و ندامت کرده باشد ویا مراجع عدلی و محاکم کشور افراد این چنینی را بازداشت و بازپرسی کرده باشند.

هدف و مرام:

مرام و هدف من از این نوشتار این بوده تا راه های دستیابی به یک هویت مشترک ملی مردمان این سرزمین را جستجو کنم که مردمانش درک حقیقی از منافع ملی داشته و برای ایجاد یک تفکر ملی افغانستان شمول و زیست با همی با همه مردم کشور تحت نام ملت افغان از دل و جان باور داشته باشند و بلاخره همه مردم کشور از پوسته های خانواده گی، قومی، قبیله‌یی و محلی برون برآمده و منافع خویش را در ارجحیت منافع ملی جستجو کنند - میباشند. مردم ما باید بخوبی بدانند و به این اعتقاد برسند که جوامع و کشور های پیشرفته و قدرتمند امروزی محصول وطن دوستی شهروندانی است که در بدترین شرایط از ارزش‌ها، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشورشان دفاع نموده اند. البته که در این وطن دوستی و رسیدن به درک منافع عالیای ملی به هیچ وجه مراد از ناسیونالیسم برتری جویانه و ملت برتر و کهنتر نمیباشد.

شور بختانه میتوان اذعان کرد که در مثال افغانستان تا نیمه های قرن بیستم مناسبات اجتماعی بیشتر بر پایه سیستم قبیله‌یی (گروهی از اقوام) استوار بود. اکنون مشاهده میگردد که بیشتر شعار هایی "غصب ویا تصاحب قدرت سیاسی از دل اقوام میگذرد" در معاملات سیاسی کاربرد دارد. ذکر نام اقوام در قانون اساسی مصوب لویه جرگه مورخ دسمبر ۲۰۰۳ و سرود ملی کشور خود بیانگر این انقطاب هایی اجتماعی اقتصادی بوده که بی ثباتی و بحران را در کشور دامن زده و مردم کشور ما را از اتحاد ملی بر محور منافع ملی باز میدارد.

چرا به این پدیده شوم و بازدارنده سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آنهم در زیر سیطره قدرت هایی خارجی که همه و همه نماینده گان کشور هایی پیشرفته سیاسی، اجتماعی و اقتصادی میباشند، میدان داده میشود؟

باز هم تأکید میدارم که قصد من از این نوشتار به هیچ وجه به مفهوم ناسیونالیسم برتری جویانه افراطی نیست، یا به قول رابندر نات تاگور شاعر، فیلسوف و جامعه شناس هندی متولد ۱۸۶۱ و وفات ۱۹۴۱ که میگفت: "شما در این توهم زندگی می کنید که موجودات آزادی هستید؛ ولی هر روز پاره یی از انسانیت خود را به نام این بت موهوم (ملت) و ملی گرایی به هدر می دهید، و در فضایی زهر آلود، بر اثر بدگمانی همگانی و مملو از حرص و هراس به سر می برید" او به این باور بود که بروز و تشدید جنگهای اروپایان در داخل اروپا جنگ جهانی اول و در خارج از اروپا در آسیا و آفریقا همه و همه بر پایه برتری جویی های ناسیونالیستی یا "ملت برتر اروپایی" بوقوع پیوسته است.

همچنان عده از صاحب نظران پدیده به جان افتیدن مردم ما و نبود وحدت ملی در کشور ما را سناریوی سازمانهای استخبارات خارجی میدانند که منافع شان را پیوسته در یک افغانستان بی ثبات میبینند. عده دیگر هم نفوذ عناصر قومیت، نبار و محل در فعل و انفعالات اجتماعی - اقتصادی سیاسی را عامل این همه بازدارنده گی ها میدانند.

در اینجا جا دارد تا در گام نخست " قوم یا قومیت و تأثیر آن در ساختار جامعه افغانی " را مختصراً به بحث بگیریم.

ادامه دارد